

عادل، تنها پسر فوتبالی خانواده فردوسی پور

AAA



رفت؛ هیچ وقت پشت سرش رو هم نگاه نکرد. یکی از دوستانش در روزنامه ابرار ورزشی، هنوز هم ناامید نشده و هزارچندگاهی با شماره همراه او تماس می‌گیرد. اتفاق جدیدی نمی‌افتد، منتهی او دیگر تلفن‌های روزنامه ابرار را جواب نمی‌دهد.

کسی نمی‌داند چه بین او و روزنامه‌ای که فعالیتش را در آن آغاز کرد گذشت اما او حالا دیگر جواب نمی‌دهد.

عادل فردوسی‌پور اما هیچ وقت نمی‌تواند «90» را دوست نداشته باشد؛ برنامه‌ای که از ذهن او متولد شد و تا آنجا پیش رفت که کمتر علاقه‌مندی در فوتبال وجود دارد که ترجیح دهد دوشنبه شب را در خواب باشد تا جلوی صفحه تلویزیون. او از برنامه‌اش لذت می‌برد؛ شاید بیش از گزارش کردن یک بازی؛ «آره! ترسناک بودنش هم جالبه. همین که یک چیزی بگیریم که دعوا بشه، یک چالشی ایجاد می‌کنه که جالبه. به نظرم، این یک ترس لذتبخشه.»

کمی هم کمتر، به گزارش کردن روی خوش نشان می‌دهد: «وقتی بازی‌ها خوب باشند، گزارش می‌چسبه. برای من باشگاه‌های انگلیس از همه لذتبخش‌تره. از این کارم لذتی می‌برم که مطمئنم تو رشته‌ای که درسش رو خوندم، نمی‌تونستم این لذت رو ببرم.»

من قرمز یا آبی؟

او گزارشگر بی طرفی است؟ بسیاری از پرسپولیسی‌ها می‌گویند او استقلال‌گرا است. استقلال‌گراها هم بر عکس. هر کدام هم برای خودشان دلیل دارند.

اگرچه به نظر می‌رسد او در دوره‌ای که در دانشگاه شریف درس می‌خوانده پرسپولیسی بوده و آنها که از نزدیک می‌شناسندش می‌دانند که زمانی پرسپولیسی تیری بوده است ولی امروز اصلاً حاضر نیست به طرف خاصی متمایل شود؛ «واقعا اینجا فضا این قدر باز نیست که یه گزارشگر بگه من قلباً طرفدار کدوم تیم هستم. اینجا فوتبال دو قطبی است. بگی قرمز یا آبی، نصف مملکت با تو بد می‌شن. البته الان دیگه اصلاً برام فرقی نمی‌کنه. الان واقعا بی طرفم. گزارشگر، یه ذره به یک تیم گرایش داشته باشه، تو کارش تاثیر می‌ذاره.»

اما این مورد اصلاً شامل حال تیم ملی نمی‌شود. نمی‌توان گفت که او مثل یک تماشاگر می‌تواند به راحتی و به هر طریقی ابراز احساسات کند اما بی طرفی هم معنایی ندارد؛ «به هر حال در این جور موارد، حتی استرس هم ایجاد می‌شه. اگه بگم در مورد پیروزی یا باخت تیم ملی کشورم بی احساس و بی طرف هستم حتما دروغ گفته‌ام. مسلماً ما باید توی کار گزارش بی طرف باشیم ولی آن احساسی که انسان در مورد کشور خودش داره، مانع اصلی کاره.»

سوتی‌های عادل

بهتر است کمی هم در مورد اشتباهات عادل فردوسی‌پور در کار گزارش بدانیم؛ چیزی که به قول خودش «سوتی» نام دارد؛ «سوتی زیاد دارم. بهترینش هم این بود که توی برنامه، حدود 2 ساعت

تموم با آقای حاجرضایی بودیم و من موقع خداحافظی گفتم خب من از آقای نصیرزاده که

2ساعت با ما همراه بودن تشکر می‌کنم. اصلا اون شب، هنگ کرده بودم.»»

با این حال، شاید این مشکل اساسی فردوسی‌پور نباشد. بیشتر، از تند صحبت کردن عادل شاکی

هستند تا اشتباهاتش. او هنوز هم با وجود اینکه بهتر از گذشته صحبت می‌کند اما گاهی اوقات

کنترل از دستش خارج می‌شود؛ «از بچگی این‌طور بودم. خیلی هم تمرین کردم و بازم دارم

تمرین می‌کنم که این‌طور نباشم ولی در کل، خیلی تند صحبت می‌کنم.»»

البته او هیچ‌گاه هیچ تکنیک خاصی را برای گزارش کردن نیاموخته است؛ «هنوز خیلی چیزهاست

که باید یاد بگیرم، چون هیچ دوره خاصی ندیده‌ایم و همه هنرمون چیزهای ذاتی و بیشتر خلاقانه

است. هیچ وقت به طور اصولی بهمون یاد داده نشده که باید چیکار کنیم و هیچ کلاس خاصی

زیر نظر مربی‌های داخلی و خارجی برامون نداشتن.»»



او حتی می‌تواند آرزو کند که در بازی‌های ملی روی سکوی

تماشاگران بود؛ «... و مثل او بالا و پایین بپریم.»»

انتقاد نمی‌شود

همیشه حسرت انتقاد کردن گزارشگران خارجی را می‌خورد: «این

قدر که گزارشگران خارجی به راحتی از بازیکنان انتقاد می‌کنن که ما نمی‌تونیم بکنیم. سه سال

پیش تو بازی منچستر – رئال وقتی گری نویل دوکارته شد، گزارشگر بازی گفت من مطمئنم

خیلی از طرفداران منچستر خوشحال شدن که گری نویل دواخطاره شد. اگر شما چنین چیزی رو در مورد بازیکن X پرسپولیس یا استقلال بگویی، پدرت رو درمی یارن؛ حتی اگه بدترین بازیکن زمین باشه.»

او بارها چوب همین مساله را خورده است. 2 فصل پیش علی پروین حسابی از خجالت عادل فردوسی پور درآمد و مسلما او تا مدتی سوژه داغ شعارهای تماشاگران در ورزشگاه کارگران بود. امیر قلعه نویی هم کم، آهن داغ انتقاد را روی تن او نگذاشته و حالا و در آخرین مورد، خداداد عزیزی - مرد همیشه شاکی فوتبال - پس از کسب نتیجه ناخوشایند ابومسلم برابر مس کرمان، چنان از این گزارشگر تلویزیونی انتقاد کرد که گویی او در تمامی بدبختی های ابومسلم نقش دارد.

با این حال، کمتر دیده می شود که او در برنامه تلویزیونی 90 یا حتی گزارش هایش مصحلت اندیشی پیشه کند: «خودم سعی می کنم هر چیزی به ذهنم می رسه بگم و تا جایی که نترسم می گم. بعضی ها بهشون برمی خوره. بعضی ها چیزهای دیگری می گن و البته خودسانسوری هم هست.»

فقط فوتبال

بی طرفی باعث نمی شود که او به فوتبال بی تفاوت باشد. یکی از علاقه مندی های اصلی او در زندگی، پرداختن به فوتبال است؛ از فوتبال بازی کردن و تماشا کردن، تا مجله های خارجی فوتبال و

اینترنت؛ «می‌شه گفت از 24 ساعت، 12 ساعت در حال دیدن فوتبال، خواندن اخبار فوتبال و کارکردن روی فیلم‌های فوتبالی هستم.

اصلا فوتبال تمام زندگی منه». همسر عادل فردوسی‌پور شرایط را پذیرفته: «او کاملا پذیرفته که قراره با کی زندگی کنه. من کار خودم رو می‌کنم و برایم خیلی جدیه. هر اتفاقی بیفته من باید فوتبالم رو ببینم. همه هم می‌دونن وقتی فوتبال می‌بینم، نباید کاری به کار من داشته باشن.»

فیلم دیدن من

یکی از علاقه‌مندی‌های سابقش سینما بوده. البته الان تنها علاقه‌مندی‌اش «90» و فوتبال است و بس. شاید هم دیگر حوصله‌اش را ندارد که به سینما برود؛ «نه دیگر! اصلا حوصله‌اش رو ندارم. واقعا نمی‌تونم بشینم پای تلویزیون و یه فیلم رو تا آخر ببینم.»

کلاس‌های زبان عادل

زبان انگلیسی! علاقه عجیبی به زبان داشت. از کلاس اول دبیرستان در کلاس‌های زبان نام‌نویسی کرد. سال آخر دبیرستان به خاطر کنکور، زبان را رها کرد اما بعدا وقتی برگشت، تا پایان کار را ادامه داد. سال سوم دانشگاه، زبان تمام شد: «کلاس‌های استادی‌اش رو هم قبول شدم اما کارم تو تلویزیون بیشتر شده بود و تصمیم گرفتم نرم.»

اغلب کارهای ترجمه‌ای را خودش انجام می‌دهد. زبانش آنقدر خوب بود که در دوره‌ای در دانشگاه تدریس می‌کرد و البته در کلاس‌های زبان. باورتان می‌شود عادل فردوسی‌پور معلم زبان‌تان باشد؟ اما اگر دوست داشته باشید بدانید کلاس‌های زبان عادل چگونه می‌گذرد، یک نفر برای‌تان

زحمتش را کشیده: "تا حالا سر کلاس‌های عادل فردوسی‌پور رفتید یا نه؟ خوب اگر نرفتید، هیچ اشکالی نداره و چیز خاصی رو از دست ندادید؛ به جز یک سری اطلاعات فوتبالی".

از اول جلسه که پسر می‌پرسن استاد از فوتبال چه خبر و همین سوال کافیه که عادل خان شروع کنه به سخنرانی و یک مدت مدیدی پشت سر این بازیکن و اون تیم و اینا بگه و اطلاعات رو کنه. خلاصه بعد از همه این حوادث، جناب عادل خان شروع می‌کنن به انگلیسی صحبت کردن و درس دادن که خب صد البته طرز حرف زدنش اصلا به انگلیسی حرف زدن نمی‌خوره ولی جدا از اینها، آدم ذاتا مهربونیه؛ مثلا بعد از کلاس با دقت می‌شیننه به همه سوالات جواب می‌ده...»
خودش هم در مورد کلاس‌های زبانش می‌گوید: «بالطبع حرف‌هایی پیش می‌یاد ولی اصولا از یک ساعت و نیم زمان کلاس فقط ده تا پانزده دقیقه.»!

زندگی بدون فوتبال

راستش از محله‌ای در غرب تهران شروع شد؛ شهرآرا. مهرماه سال 1353 بود که عادل به دنیا آمد؛ در خانواده‌ای که پدرش مهندس برق بود و یک خواهر و یک برادر داشت. فضای خانه مسلما فضای فوتبالی نبود و او به دلیل علاقه‌اش به فوتبال، بچه سر به راه خانه محسوب نمی‌شد.
دبستان را در مدرسه ذوقی، راهنمایی را در مدرسه طالقانی و دبیرستان را ...البرز. بچه درس خوانی بود؛ آن قدر درس خوان که با معدل بالای 18 دیپلم گرفت اما فوتبال هیچ وقت از سرش نیفتاد. شاید به همین خاطر هم بود که پدر با او کاری نداشت. بعد هم در دانشگاه صنعتی شریف در رشته مهندسی صنایع قبول شد و تا پایان فوق لیسانس ادامه داد.

سال سوم دانشگاه تصمیم گرفت به علاقه‌مندی‌اش یعنی کار خبری بیشتر بپردازد. به دفتر روزنامه ابرار ورزشی رفت: «من علاقه دارم کار کنم؛ مطلب بنویسم». اردشیر لارودی سردبیر آن وقت ابرار ورزشی از او در مورد حیطة کاری‌اش پرسید: «ترجمه!» یک متن داد دستش و خداحافظی کرد؛ «فردا صبح اول وقت رفتم دفتر روزنامه. کارم رو تحویل دادم و بعد از چند روز کارم رو شروع کردم.»

سال 1372 بود. او کارش را شروع کرد. اما بی‌شک بزرگ‌ترین علاقه‌مندی‌اش حضوری در صداوسیما بود. او به قول خودش «n» دفعه تست داد و در نهایت قبول شد؛ «اوایل هم مثبت بود اما می‌گفتن صدات جوونه؛ پخته نیست. آخرین باری که تست دادم، اواخر سال 1373 بود». او در تست قبول شد و کار روزنامه را رها کرد و رفت. رفت که رفت... گرچه که الان هنوز هم هر از گاهی کار مطبوعاتی را انجام می‌دهد... همانطور که بازدیدکنندگان پارس فوتبال هر چند وقت یک بار مطالب جادویی او را روی خروجی اولین پایگاه تخصصی فوتبال ایران می‌خوانند.